

اولین پژوهش جامع علمی و فرهنگی درباره

دماوند

بلندترین کوه ایران

کارل گراتسل - روبرت کوستکا

ترجمه:

ایرج هاشمی زاده

اولین پژوهش جامع علمی و فرهنگی درباره

دماوند

بلندترین کوه ایران

کارل گراتسل - روبرت کوستکا

ترجمه ایرج هاشمی زاده

Gratzl, Karl

کارل گراتسل

اولین پژوهش جامع علمی و فرهنگی درباره دماوند بلندترین کوه ایران / کارل گراتسل، روبرت کوستکا، ترجمه ایرج هاشمی زاده. -- تهران: هادیان، ۱۳۸۴. - ۱۹۱ ص. مصور، عکس.

ISBN: 964-94394-5-5

عنوان دیگر: دماوند بلندترین کوه ایران

Damavand Der höchste Berg Irans, 2001.

عنوان اصلی:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.

۱. قله دماوند. ۲. قله دماوند -- جغرافیا. ۳. کوهنوردی -- ایران. الف. کوستکا، روبرت، ۱۹۳۵ -- م، Kostka, Robert، ب. هاشمی زاده، ایرج، مترجم. ج. عنوان. د. عنوان: دماوند بلندترین کوه ایران. ه. عنوان: دماوند بلندترین کوه ایران.

۹۵۵/۲۲۶

گ ۴ الف / ۲۱۹۲ DSR

۱۳۸۴

۷۷۷۴-۸۴م

کتابخانه ملی ایران



تهران - خیابان مطهری، بین میرعماد و مفتح، ساختمان ۲۳۴، طبقه ۴. تلفن: ۸۸۱۱۰۴۱ فکس: ۸۸۱۱۱۰۹

دماوند بلندترین کوه ایران

کارل گراتسل - روبرت کوستکا

ترجمه ایرج هاشمی زاده

چاپ اول: بهار ۱۳۸۴، تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: آهو؛ چاپ: کیانقش؛ صحافی: امیرکبیر

شابک: ۵-۵-۹۴۳۹۴-۹۶۴ ISBN: 964-94394-5-5

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص سرمایه گذاران آقایان اشکان صمیمی مفخم و علیرضا اسماعیلی از شرکت ایمپریال می باشد.

دماوندیه

ای دیو سپید پای در بند ای کسب دکتی ای دماوند من این کنم و بود که آید نزدیک تو این عمل خوشایند
از سیم بر سر یکی کله خود ز آهین بر میان یکی کمر بند آزاد شوی و برخیز و ش مانده دیو بسته از بند
تا چشم بشربندت روی بنفقه به ابر چهره لب بند هر ایتی افکند ز لازل از نیش بورتا نخواستند
تا واری از دود مستوران دین مردم خس دیو نماند وز برق تورو است تبا بد زالب ز اشعه تابه الوند

باشیر سپر تبه پیمان با اختر سحر کرده پیوند ای مادر سپید بشو این پند سیاه بخت فرزند
چون گشت زمین ز جور کردن سر دوسیه و خموش و آوند برکش ز سر این سپید معجز بنشین به یکی کبود آوردند
بنواخت زخم بر فلک مشت آن مشت تویی، تو، ای دماوند بگرای چو ارژد مایه گرزه بخروش چو پشیره شیر ارشد
تو مشت دشت روزگار از گردش قهر خنای پی افکند ترکیبی ساز بی عامل معجونی ساز بی همانند
ای مشت زمین بر آسمان شو بر ری بنواز ضربتی چند از مار و سیر و گاز و گوگرد از دود و جیم و جیره کند
نی نی تونه مشت روزگار ای کوه نیم ز گفته خرسند از آتش آه خلق مطمئند وز شعله کفر خدایند
تو قلب فروده ازین از درد و رزم نموده یک چند ابری بغیرت بر سر ر بارانش ز بول و بیم و اند
تا درد و رزم فرو نشیند کا فور بر آن ضمد کردند بشکن در دوزخ و برون ریز باد افره کهنه کافری چند
شو منجر اے دل زمانه و آن آتش خود بنفقه میسند زانگونه که بر مدینه عا صرصر شرر عدم بر کند
خاش منشین سخن بچی افروده مباحش خوش خمی چند چو آنکه به شارسان پی ولکان اجل مطلق افکند
سپان کن آتش درون زین سوخته جان شنو کی چند بشکن ز پی این ساس تر ویر بجل زهم این نژاد و پیوند
گر آتش دل بنفقه دار سوز و جانت به جانت کنند بر کن بن این بنا که با از ریشه بنسای ظلم کند
بر ژرف دمانت سخت بندی بر بسته سپر نیو پرند زین بی خنده انضد بتا داد دل مردم خسروند
من بند دمانت به گشایم و بر بکاید بندم از بند ملک اشرا بجا

فهرست مطالب

۵.....	یادداشت مترجم
۷.....	آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد
۹.....	مقدمه ناشر اتریشی
۱۱.....	همراهی
۱۲.....	انتخاب اسامی اماکن و اشخاص
۱۳.....	میان دود و غرش باد
۱۳.....	نام های کوه دماوند
۱۳.....	دو نیاوند
۱۴.....	دماوند
۱۵.....	مونس یا سونیوس - قله مونس
۱۶.....	لواسان
۱۶.....	بیکنی
۱۷.....	نتیجه گیری
۱۹.....	درباره زمین شناسی البرز - دماوند
۱۹.....	پیشگفتار
۲۰.....	سنگ های البرز - ژئوسینکلینال
۲۰.....	شالوده
۲۰.....	اولین سیکل رسوبی (پیشا-زیستی فوقانی تا زیستی فوقانی)
۲۲.....	دومین سیکل رسوبی (دفون فوقانی تا تریاس)
۲۳.....	سومین سیکل رسوبی (تریاس فوقانی تا کرتاسه فوقانی)
۲۳.....	آتشفشان های ژئوسینکلینال
۲۴.....	چین خوردگی البرز
۲۴.....	چین خوردگی البرز
۲۴.....	رسوب و آتشفشان در دوران سوم
۲۵.....	آتشفشان ها در دوره چهارم - دماوند
۲۵.....	مناسبات سطح زمین
۲۵.....	گرمای زمین
۲۸.....	آتشفشان، تغییرات سطح دریا و زلزله
۲۹.....	نوسان سطح دریای خزر
۳۱.....	تاریخ هزارساله زلزله در شمال ایران

۳۴	موانع البرز پروفیسور دکتر روبرت کوستکا
۳۴	سازماندهی اداری
۳۶	البرز مرکزی
۳۷	سفر به کوه
۳۹	سرچشمه پژوهش
۴۲	بهره‌برداری از منابع زمینی در حال حاضر
۴۵	مناسبات آب و هوا در حوزه دماوند - البرز پروفیسور دکتر راین هولند لازار
۴۵	مقدمه و مشکلات
۴۵	موقعیت حوزه بررسی
۴۵	اساس و پایه پژوهش
۴۵	شرایط عمومی آب و هوا و عوامل مؤثر بر آن
۴۷	نظر کلی درباره آب و هوا
۴۹	مشخصات آب و هوای دماوند
۵۴	توضیحاتی درباره نقشه آب و هوا
۵۶	شرایط توفان در دماوند
۵۸	جمع‌بندی
۵۹	حیات گیاهی در دماوند پروفیسور دکتر فرانس ولکینگر
۵۹	توضیحات کلی
۵۹	تحقیقات گیاهشناسی دماوند
۶۲	درباره اسامی گیاهان
۶۲	تنوع گونه‌ها، مشخصات جغرافیایی گیاهان و چگونگی زندگی گیاهان
۶۳	گونه‌های مشترک
۶۴	گیاهان در فضای محدود (اندیمیتن، Endemiten)
۶۴	نوع زندگی
۶۵	از سواحل دریای خزر تا قله دماوند
۶۵	درجه حرارت و ریزش باران
۶۶	محیط زیست گیاهی خزری یا هیرکان
۶۶	محیط زیست گیاهی در سواحل و جنگل‌های سطح پایین خزر
۷۰	جنگل کوهستانی خزر و مرز درختان
۷۱	مناطق کوهستانی و باقیمانده جلگه‌های سروگیاهی
۷۲	جلگه بته‌های خاردار
۷۲	گیاهان گلدار در ارتفاعات بالا
۷۵	هیأت اکتشافی گراتس (سال ۲۰۰۰)
۷۷	نقشه و نقشه‌برداری / توضیحاتی درباره نقشه ضمیمه کتاب پروفیسور دکتر روبرت کوستکا
۷۷	توضیحات کلی
۷۷	سفر تحقیقی کاپیتان لم به شمال ایران

۷۹	ارتفاع کوه دماوند
۸۱	نقشه‌های کوهستان البرز با مقیاس بزرگ
۸۲	سری نقشه‌ها
۸۶	تکامل اطلاعات از راه دور و پیاده‌کردن آن برای نقشه‌برداری
۸۷	نقشه کوه دماوند در مقیاس ۱:۵۰,۰۰۰
۹۰	مسیر آینده
۹۲	تاریخ کشف دماوند
۹۲	الف - از هومر تا بظلمیوس
۹۶	ب - اطلاعات اعراب در دوران اسلامی درباره رشته‌کوه البرز و دماوند
۹۷	ابن خردادبه (ابن خردادبه)، قدیمی‌ترین جغرافی‌دان عرب اسلامی
۹۷	آل اصطخری و ابن حوقل
۹۹	سفرنامه - خاطرات سفر شاعر ایرانی ناصر خسرو
۹۹	فرار از دست چنگیزخان
۱۰۰	هرودت عهد عتیق
۱۰۱	قزوینی جوان
۱۰۱	ج - شناخت و سفر اروپاییان به ایران از آغاز قرن پانزده تا پایان قرن نوزده میلادی
۱۰۱	سفر سفیر اسپانیا، اشراف‌زاده روی گونزالس دکلاویو در دربار تیمور
۱۰۲	پیترو دلا واله - مشاور مخصوص رومی در دربار شاه عباس
۱۰۳	سر توماس هربرت در دادمه دماوند
۱۰۵	آدام اوله آریوس، خالق دقیق‌ترین نقشه ایران
۱۰۷	اولین اروپایی در قله دماوند چه کسی بود؟
۱۰۹	سهم اتریش در پژوهش دماوند
۱۱۰	یک اتریشی در خدمت ناصرالدین‌شاه
۱۱۱	دماوند، شش هزار متر ارتفاع؟
۱۱۲	او موظف به جستجوی طلا و الماس بود
۱۱۲	سرازیر در لار با قایق لاستیکی
۱۱۴	اولین نقشه مرکز البرز
۱۱۴	راه طولانی پژوهش
۱۱۶	سون هدین جوان
۱۱۸	کارل هاینس رشینگر و گیاهان ایران
۱۱۹	سفر تحقیقاتی گروه آلمانی
۱۲۲	دماوند از نگاه تاریخی و مذهبی
۱۲۲	پروفسور دکتر کارل پرنر
۱۳۱	بناها و مناطق مسکونی در دامنه دماوند
۱۳۲	موقعیت دهات در دماوند
۱۳۳	شکل بناها و نقش آن

۱۳۹	آب، چراگاه، مسیر راه پیمایی / دره لار در دامنه دماوند در گذشته و حال
۱۳۹	دره لار در دامنه دماوند در گذشته و حال
۱۳۹	ویژگی سرزمین
۱۴۱	«چادر نشینان
۱۵۳	سدلار
۱۵۳	رودهای ورودی
۱۵۳	مسیر کاروان‌رو از دره لار
۱۶۰	قلعه و غار / آثار باقیمانده از گذشته در اطراف دره هراز
۱۶۰	باقیمانده‌های مسکن در اطراف دره هزار
۱۶۰	بقایای قلعه ملک بهمن
۱۶۲	غارهای مسکونی
۱۶۶	شیب‌های مسطح
۱۷۰	خطرات کوه و پناهگاه‌های کوهنوردان در دماوند
۱۷۰	عوامل خطر در دماوند
۱۷۰	خطرات عینی
۱۷۱	خطرات جسمی
۱۷۲	شرایط جوی در دماوند
۱۷۳	پناهگاه کوهنوردان در دامنه دماوند
۱۷۳	پناهگاه در رینه
۱۷۳	مسجد و گوسفندسرا
۱۷۳	بارگاه سوم، پناهگاه جنوبی
۱۷۴	ساختمان فدراسیون کوهنوردی ایران
۱۷۴	بارگاه سیم‌رخ، پناهگاهی در سمت غربی دماوند
۱۷۴	اولین پناهگاه موقتی در قسمت شمالی دماوند
۱۷۵	دومین پناهگاه موقتی در قسمت شمالی دماوند
۱۷۶	تخت فریدون، پناهگاهی در شمال شرقی دماوند
۱۷۷	دور دماوند
۱۷۷	پروفسور دکتر روبرت کوستکا
۱۸۶	توریست در کوه و یادداشت‌های روزانه در رینه
۱۸۶	پروفسور دکتر روبرت کوستکا و مهندس والتر کوشل

یادداشت مترجم

سال ۲۰۰۱ میلادی زمانی که کتاب دماوند، بلندترین کوه ایران راهی بازار شد، ناشر و نویسندگان کتاب در گراتس جشن باشکوهی برای معرفی کتاب برپا کردند. سالن پر بود. نیمی از جمعیت ایرانی بود. تنها کافی بود دورماندگان از وطن نام کتاب را بهانه کنند تا شبی را به یاد وطن دور هم جمع شوند. از دیدن کتابی درباره «دماوند» شان در پوست نمی‌گنجیدند.

چهره بسیاری از نویسندگان کتاب برایم آشنا بود. مهندس والتر کوشل، معمار و مدیرکل اداره مسکن، از هم‌دوره‌های دانشگاهی من بود؛ پروفیسور کوستکا - زمانی که دانشجوی بودم - دانشیار دانشکده فنی گراتس بود. دکتر گراتسل را بعدها در سال‌های ۸۰ میلادی دو سه بار در «نشر آکادمی» ملاقات کردم. وی مسئول بخش شرق‌شناسی بود.

شب زیبایی بود. در قلب اروپا و هزاران کیلومتر دور از «دماوند» آن‌هم با شناخت و بضاعت حقیری که دامنگیر همه ماست که دماوند قله‌کوهی است کنار تهران و چهار فصل پوشیده از برف. همین و بس!! و بعد کتاب را که ورق می‌زنی تازه می‌فهمی «دماوند» ی که تو می‌شناختی با «دماوند» ی که این جماعت فرهنگی می‌خواهند به تو معرفی کنند دو کوه متفاوت است!!

* * *

دکتر گراتسل انگیزه انتشار کتاب «دماوند» را چنین بیان می‌کند: «در پاییز ۱۹۹۸ گروه ما، کوهنوردان گراتس که پیش از این دوبار در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ به افغانستان سفر کرده بودیم، تصمیم گرفتیم به بلندترین کوه ایران صعود کنیم و تحقیقات و اطلاعات به دست آمده را در کتابی منتشر نماییم. طرح این سفر از من بود. تدارکات سفر برعهده پتر کلوگ فرار گرفت که با مهندس عباس خلیلی از دوران دانشجویی در گراتس دوست و آشنا بود. عباس خلیلی می‌توانست ما را در ایران یاری دهد، که یاری داد و رابط ما با سازمان کوهنوردی ایران شد و این سازمان در اولین سفر تحقیقاتی ما (قسمت شمالی دماوند) دو راهنمای کوه در اختیارمان گذاشت. پروفیسور روبرت کوستکا و مهندس والتر کوشل که حدود سی سال پیش در راه بازگشت از افغانستان سری نیز به قله دماوند زده بودند!!) مسئولیت تهیه نقشه دماوند و مقدمات سفر را به عهده گرفتند. در بهار ۱۹۹۹ تیم ما برای اولین بار به سوی دماوند به راه افتاد. پس از بازگشت به اتریش با اطلاعات و تجربیات به دست آمده تصمیم گرفتیم برای تکمیل اطلاعات و پیاده کردن نقشه دماوند با کمک ماهواره‌ها بار دیگر راهی ایران شویم. این سفر در سال ۲۰۰۰ میلادی روی داد و نتیجه آن کتابی است که پیش رو دارید.»

و بدین شکل و به همین سادگی! گروهی بیگانه با سرزمین و مردم ما به بده بستانی زاییده جامعه مدرن دست می‌زنند: به سیر و سیاحت می‌روند، بسیار چیزها از آداب و رسوم سرزمین بیگانه یاد می‌گیرند و در مقابل، آموخته‌های علمی خویش و آنچه را که سیاحت کرده‌اند و دیده‌اند در طبق اخلاص می‌گذارند و در اختیار افکار عمومی قرار می‌دهند!

* * *

تابستان گذشته در ژوئیه ۲۰۰۳، فرهاد ورهرام نظر مرا از ترجمه کتاب و انتشار آن در تهران جويا شد. پاسخ من بالطبع مثبت بود. قرار شد او امکانات چاپ کتاب را در ایران و من شرایط دسترسی به تصاویر اصلی کتاب و نقشه ضمیمه - در یک کلام کپی رایت - آن را بررسی کنیم. در جلسه‌ای با حضور ناشر و نویسندگان کتاب، خواست خود را مطرح کردم و با استقبال گرم آنان روبرو شدم. مسایل مالی و حقوقی را حل و فصل کردیم و راه برای شروع ترجمه باز شد. دو روز بعد با خیال راحت با همسرم برای استراحت تابستانی عازم جزیره کرت شدم. شبی در رستورانی در کرت شام می‌خوردیم که تلفن زنگ زد. ورهرام بود. خبر داد که امکانات چاپ کتاب در تهران فراهم شده، لطفاً ترجمه کتاب را شروع کن! در این باره که ترجمه را چه کسی برعهده بگیرد قبلاً صحبتی نکرده بودیم، بالطبع قبول کردم!

ترجمه چهار ماه طول کشید. از همان آغاز با مشکل روبرو شدم. در فصل «حیات گیاهی در دامنه دماوند» با انبوهی از نام‌های لاتین مواجه شدم. مشکلم را دکتر مهندس ماندانا گروبر حل کرد. وی در اسرع وقت کتاب «فرهنگ نام‌های گیاهان ایرانی، لاتین، انگلیسی، فارسی، تالیف و گردآوری ولی‌الله مظفریان» را در تهران سفارش داد و در دسترس من قرار داد. بدون این فرهنگ‌نامه ترجمه این فصل برای من ناآشنا به زبان لاتین و دنیای گیاهان غیرممکن بود. فصل «ساخت زمین در دماوند» مشکل بعدی بود. با همان نگاه اول به متن و اصطلاحات فنی و زمین‌شناسی و آشنا نبودن با معادل فارسی آنها به عدم توانایی خویش در ترجمه آن پی بردم. با کمک دو تن از دوستان، از دو مهندس ایرانی و معدن‌شناس مقیم آلمان تقاضای کمک کردم. هر دو پس از دیدن متن از ترجمه آن عذر خواستند. قرار بر این شد که در تهران یک نفر زمین‌شناس آشنا به زبان آلمانی ترجمه آن را برعهده گیرد.

ترجمه و انتشار کتاب «دماوند» در ایران ضروری بود. دماوند شناسنامه ماست و شاید هم بهانه‌ای شود برای پژوهشگران و محققان ما - به ویژه علوم طبیعی - که سرزمین ناشناخته ما را جستجو و پژوهش کنند تا در آینده اگر صحبت قشقای‌ها یا بختیاری‌ها شد فقط به این بسنده نکنیم که: ایلی هستند که تابستان و زمستان‌ها کوچ می‌کنند. همین و بس!!

در ترجمه بخش «دماوند از نگاه مذهبی و تاریخی» از دانش و شناخت وسیع استاد دکتر محمد عاصمی نسبت به شاهنامه یاری گرفتم و از تشویق و کمک‌های بی‌دریغ فرهاد ورهرام سود جستیم. با سپاس از عزیزانم دکتر محمد عاصمی، دکتر مهندس ماندانا گروبر و فرهاد ورهرام و امید آنکه ترجمه ارایه شده مورد قبول «اهل بخیه» قرار گیرد. انشاءالله.

ایرج هاشمی‌زاده

آنچه خود داشت...

پیش در آمد

مدتها بود که خود را با کتاب عبور از صحاری ایران اثر دکتر آلفونس گابریل سیاح معروف اتریشی مشغول کرده بودم و گزارشی از مسیر سفر یکساله او به کویرهای ایران در ۷۰ سال پیش را با شرایط فعلی مقایسه می‌کردم. در سال ۲۰۰۱ جشنی برای معرفی کتاب دماوند بلندترین کوه ایران (تألیف کارل گراتسل و روبرت کوستکا)، با حضور گروهی از اساتید دانشگاه گراتس و ناشر و محققین و ایرانیان علاقمند در شهر گراتس برگزار شد. از برگزاری این جشن توسط دوستم ایرج هاشمی‌زاده با خبر شدم که متأسفانه نتوانستم در آن شرکت کنم.

کتاب را به آقای مهندس علی فرزانه یکی از کارشناسان سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری که برای گذراندن دوره دکتری در وین اقامت داشت نشان دادم. او هم نسخه‌ای از کتاب دماوند سفارش داد و گزارشی کوتاه از انتشار این کتاب برای مجله جنگل و مرتع فرستاد که در یکی از شماره‌های آن به چاپ رسید.

چاپ این کتاب توسط ناشر اتریشی و با همکاری دانشگاه گراتس باعث خوشحالی‌ام شد و حسرت اینکه چرا کاشفان این سرزمین و معرفی‌کنندگان فرهنگ و هنر آن در زمینه‌های باستان‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، معماری، هنر و ادبیات و دیگر مقولات باید غیرایرانی باشند بر دلم باقی ماند و گویا «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد...»

عجب نیست کتابی درباره «این کوه سپید پای در بند» که پای در اساطیر دارد و در گذر زمان همچنان سربلند بر پهنه سرزمین ما سایه افکنده است توسط محققان کشور اتریش منتشر می‌شود! همچنانکه زبان پهلوی را هرتسفلد به ما آموخت؛ نیکلسون دیوان مولوی را تصحیح کرد، تاریخ ادبیات را ادوارد براون نوشت؛ پوپ، گریشمن و گودار، ما را از تمدن خودمان با خبر کردند؛ سون هدین، خانیکف، گابریل و نیدرمایر کاشف کویرهای ما بودند و بسیاری کسان دیگر در زمینه‌های مختلف که از شمار خارج‌اند.

وسوسه ترجمه و چاپ این کتاب به زبان فارسی تا سال ۲۰۰۳ میلادی هم چنان ذهن مرا به خود مشغول کرده بود. در همان سال در وین با آقای علیرضا اسماعیلی درباره ترجمه و چاپ این کتاب صحبت کردم و او پذیرفت در صورت همکاری مالی از سوی مؤسسه‌ای در ایران، بخشی از هزینه‌های کتاب را تقبل کند.

به احترام تلاش محققان و ناشر اتریشی، تصمیم گرفتم کتاب دماوند در ایران بدون اجازه ناشر اتریشی چاپ نشود. ایرج هاشمی‌زاده قبول زحمت کرد و با ناشر و محقق کتاب برای ترجمه و چاپ کتاب و حق تألیف تماس گرفت و آنها با علاقمندی و گشاده‌رویی، و البته با تخفیف، حق انتشار کتاب دماوند به زبان فارسی را به ما واگذار کردند.

پس از حل و فصل مسائل مالی و حقوقی، ایرج هاشمی‌زاده ترجمه کتاب را به عهده گرفت. زحمت ترجمه بخش زمین‌شناسی آن را نیز دوست عزیز خسرو پورحسینی تقبل کرد. در زمستان سال ۱۳۸۲ با ترجمه متن فارسی و اطلاعات تصویری کتاب و نقشه به تهران بازگشتم.

حدود سه یا چهار ماه من و آقای علیرضا اسماعیلی با یک سازمان دولتی و چند موسسه برای همکاری و سرمایه‌گذاری کتاب تماس گرفتیم که متأسفانه جوابها مثبت نبود. سرانجام سرخورده از همکاری‌ها و حمایت‌های فرهنگی سازمان‌ها و دیگر مؤسساتی که با آنها تماس گرفته شده بود، با همت آقایان اشکان صمیمی‌مفخم و علیرضا اسماعیلی، حامیان چاپ این کتاب، که در زمینه‌های سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی سابقه‌ای نداشتند و صرفاً از روی عشق و علاقه به سرزمینشان تن به این کار داده بودند، کارها ادامه پیدا کرد و به قول معروف «به زیور طبع آراسته گردید.»

دوست عزیز آقای پرهام تصدیقی با صبر و حوصله ویرایش کتاب را به عهده گرفت. در نشر این کتاب پیگیری‌ها و همکاری و شکیبایی دوست عزیز فخرالدین سیدی و فریدون هادیان‌دهکردی بسیار مؤثر واقع شد. با سپاس از تلاش تمام عزیزان، کتاب به مردم عزیز میهنمان پیشکش می‌شود تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

فرهاد ورهرام

بهار ۱۳۸۴

مقدمه ناشر اتریشی

قصه‌های «هزار و یک شب» ایران را که از کودکی شیفته‌آن بودیم، با لذت به یاد می‌آوریم. بعدها در مدرسه، در درس تاریخ، با نام ایران آشنا شدیم: در شکست از یونانیان در ماراثون^۱ و سالامیس^۲ و با نام الکساندر بزرگ که قشون ایران را به عقب‌نشینی واداشت و کشور پهناور ایران را فتح کرد و تا سرحدات هند پیشروی نمود.

بعد با مارکوپولو^۳ و با کویر آسیا و چین آشنا شدیم. در چین در دربار مغول بود که گوبلای قاآن فرمانروای چین مارکوپولو را با احترام و منزلت پذیرفت و او را صاحب مال و مکتب و ثروت کرد. داستان‌هایش چنان زیبا و مملو از خیال بود که قبول بازگشتش به ونیز برای ما دشوار بود. بعدا شیفته سفرنامه‌های سون‌ه‌دین^۴ و هربرت تیشی^۵ شدیم. تمامی این تصاویر که خیال ما را بال و پر می‌داد، در خاطرم مانده و تصویر از مشرق زمین به ما داد، تصویری جذاب که آرزوی سفر و دیدن سرزمین‌های دور را در ما زنده نگه داشت. زمان و شرایط پس از جنگ دوم جهانی امکان برآوردن این آرزوی دور جوانی را به ما نمی‌داد. چند دهه باید می‌گذشت تا ما بتوانیم آرزوی دوران جوانی، سفر به مشرق زمین و جستجو و تحقیقات علمی کوهستان‌های آن را در عمل پیاده کنیم.

سرانجام چنین روزی فرا رسید، سال ۱۹۷۰ میلادی با مینی‌بوس فولکس واگن مملو از بار و بینه و مجهز به دستگاه‌های محاسبه و اندازه‌گیری و وسایل کوهنوردی، از عزیزانمان خداحافظی کردیم و به راه افتادیم. راه درازی را پشت سر گذاشتیم تا به انتهای شمال شرقی افغانستان، حدود مرز چین رسیدیم. آن زمان این نقطه از جهان در نقشه جغرافیایی ناشناس بود و تکه سفیدی بیش نبود، آن را بر روی نقشه مشخص کردیم و به آن هویت دادیم. این سفر آغاز دوستی عمیق و ابدی بین ما بود.

بدین شکل ۳۰ سال پیش ما در سفر به افغانستان برای اولین بار قدم در سرزمین ایران گذاشتیم. آن روزها عبور از جاده‌ها عملی ماجراجویانه بود! از شمال کشور، از دره‌های کوه البرز گذشتیم و برای اولین بار در زیر آسمان آبی به عظمت دماوند با دامنه پوشیده از برف و یخ پی بردیم. در بازگشت تصمیم گرفتیم به این کوه صعود کنیم. این اولین برخورد ما با کوه‌های آسیا بود که با افغانستان و کوه‌های آن که فاقد تحقیقات علمی بود شروع شد. بعدها در سال ۱۹۷۵ میلادی به پامیر صعود کردیم و نتیجه تحقیقات ما در کتابی که تصاویر بسیاری داشت منتشر شد و به سرعت کمیاب شد.

کار گروهی دیگر ما – گروه گراتس – بر اساس تحقیقات علمی در سین‌کیانگ^۶ بود که در سال ۱۹۸۷ در کتاب هنر و فرهنگ در حاشیه جاده ابریشم منتشر شد. بعدها در سال ۱۹۹۰ کتابی به نام کوه‌های مقدس دنیا منتشر کردیم. تحقیقات ما شامل کوه‌هایی بود که بر اساس سنت‌های مذهبی و فرهنگی و تاریخی به کوه‌های مقدس شهرت داشتند.

به این ترتیب پاسخ به این پرسش، که چگونه به فکر افتادیم کتابی درباره بلندترین کوه ایران منتشر کنیم، داده شد. کتاب دماوند نیز بر پایه دو سفر علمی و تحقیقاتی گروهی در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ میلادی و سه سال مطالعه تخصصی شکل گرفته است. در کنار چهار نفر گراتسل^۷، کلگ^۸، کوستکا^۹ و کوشل^{۱۰}، که در تحقیقات محلی نقش اصلی را برعهده داشتند، گروهی محقق از جمله گامریت^{۱۱} زمین‌شناس، لازار^{۱۲} هواشناس، پرنر^{۱۳} دین‌شناس و ولکینگر^{۱۴} گیاه‌شناس نیز به پژوهش پرداختند. تحقیقات همه آنها در این کتاب آمده است. ناشر بدون همکاری این گروه هرگز قادر نبود به هدف خود و ارایه اطلاعات دقیق علمی نایل شود. در پایان کتاب سپاس و تشکر خود را از پژوهندگان و تمامی کسانی که با کمک‌های مالی خود سفر تحقیقاتی و علمی ما و انتشار کتاب را امکان‌پذیر کردند، ابراز داشته‌ام. کتاب دماوند نه تنها مجموعه‌ای است از تحقیقات علمی پژوهشگرانی که پیش از این آثارشان تنها در کتاب‌های علمی جای داشت و در دسترس گروه معدودی قرار می‌گرفت بلکه در یکی از فصل‌های خود به مسئله توریسم – که در کوه‌پیمایی خود در ارتفاع ۵۶۷۱ متری به آن برخورد کردیم – می‌پردازد.

1. Marathon	2. Salamis	3. Marco Polo	4. Sven Hedin	5. Herbert Tichy	6. Sinkian	7. Karl Gratzl
8. Klug	9. Robert Kostka	10. Walter Kuschel	11. Gamerith	12. Lazar	13. Prenner	14. Wolkinger

یکی دیگر از نتایج پرارزش پژوهش دماوند در این کتاب، نقشه‌ای با مقیاس ۱:۵۰,۰۰۰ است. این نقشه بر اساس اطلاعات فضایی و بر پایه محاسبات و اندازه‌گیری‌ها به وسیله گروه تحقیقاتی تهیه شده است. این نقشه کامل‌ترین نقشه‌ای است که تا به حال از دماوند تهیه شده است و این امکان را در اختیار کسانی که قصد مطالعه موقعیت کوه دماوند و صعود به آن را دارند، قرار می‌دهد.

از آنجا که در انتشار این کتاب برای ما استفاده همگان مطرح بود نه طیفی خاص، نویسندگان کوشیدند تا جایی که ممکن بود مفاهیم علمی را برای خوانندگان ناآشنا به این مفاهیم ساده و قابل درک بیان کنند. بسیاری از تصاویر رنگی و سیاه و سفید و همچنین نقشه‌های کتاب، آن را ساده‌تر و گویاتر کرده است. ناشران کتاب امیدوارند بلندترین کوه ایران و مناطق اطراف آن را به طیف گسترده‌ای از خوانندگان به خوبی معرفی کرده باشند.

کتاب حاضر قصد بر این دارد اروپاییان را با طبیعت زیبا و جذاب دماوند آشنا کند و نیز در کنار حقایق ریشه‌دار موجود در طبیعت، پرسش‌های فرهنگی و تاریخی را نیز در رابطه با کوه مطرح سازد.

این یک اتفاق نبود که ما اتریشی‌ها درباره ایران و به ویژه درباره کوه بلند آن به تحقیق و مطالعه روی آورديم. ما روابط کهن ایران و اتریش را که با یوزف فرای هرفون هامرپورگشتال^{۱۵} (۱۸۵۶-۱۷۷۴) از شهر گراتس آغاز شد را پی گرفته‌ایم. پورگشتال در ۱۴ سالگی وارد «آکادمی اورینت» شد که بنیانگذار آن ماریا ترزا بود. وی با زبان فارسی آشنا شد و شیفته



یوزف فرایهر هامرپورگشتال (۱۷۷۴-۱۸۵۶)

مشرق زمین شد. ترجمه دیوان حافظ او (حدود سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۸ میلادی) توجه اروپاییان را به ادبیات مشرق‌زمین جلب کرد و پایه و اساس دیوان شرقی گوته شد. وی در حقیقت پایه‌گذار شرق‌شناسی بود. بعدها نیز به عنوان اولین رئیس دانشگاه پژوهش علمی اتریش که در ۱۴ ماه مه ۱۷۴۷ به ثبت سلطنتی رسید، منصوب شد. روابط همه‌جانبه فرهنگی و علمی میان ایران و اتریش تا به امروز ادامه دارد. به عنوان نمونه، افرادی همچون کوتشی^{۱۶}، نیتجه^{۱۷}، بوبک، استارتیل-سار^{۱۸}، رشینگر و دیتس^{۱۹}، در معرفی ایران به اروپاییان سهم بزرگی برعهده داشتند. دکتر هلموت اسلابی^{۲۰} نیز که سالیان بسیاری سرپرستی انستیتوی فرهنگی اتریش و ایران را در تهران برعهده داشتند در کتاب شیر و خورشید و سپهری با نواری در میان - که در مورد تاریخ روابط دیپلماتی و سیاسی ایران و اتریش تا به امروز است - از این افراد با سپاس و تقدیر یاد می‌کند.

دو انگیزه دیگر نیز در انتشار این کتاب نقش داشتند: یکی فعالیت پیوسته نشر «چاپ آکادمی» در گراتس بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی همچون انتشار ۴ جلدی روزنامه ایران^{۲۱} یا کتاب گل‌های ایران^{۲۲} - که داشتن آن برای هر گیاه‌شناسی ضروری است - و یا انتشار نشریه فرهنگی افغانستان^{۲۳} که در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۲ منتشر شد؛ این نشریه اگرچه با البرز و دماوند رابطه‌ای نداشت ولی در حوزه فعالیت فرهنگی شرق ایران تا آسیای مرکزی بود. در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به کوشش دانشگاه استان «اشتایرمارک»^{۲۴} کوشش‌هایی برای برقراری روابط مجدد انجام گرفت. در آن زمان تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی در این استان به تحصیل مشغول بودند. و دیگر علاقه شخصی به مناطق کوهستانی، چه از نگاه تاریخ مذهبی یا تاریخ بر اساس علاقه و کنجکاوی و نقشه‌برداری علمی، آشنایی با طبیعت کوهستانی و زیبای شمال ایران، دوستی‌های دور و دراز و همچنین علاقه و توجه بین‌المللی به سرزمین فرهنگی و کهن ایران در انتشار این کتاب دخیل بوده‌اند.

به این امید که کتاب دماوند به روابط صمیمانه بین ایران و اتریش عمق بیشتری بخشد.

15. Josef Freiherr V. Hammer-Purgstall 16. Kotschy 17. Teitze 18. Stratil-Sauer 19. Diez
20. Dr. Helmut Slaby 21. Gazetteer of Iran 22. Flora Iranica 23. Afghanistan Journal 24. Steiermark

دماوند، خاطرات دوباره زنده می‌شوند، اگرچه از زمان خداحافظی سال‌های زیادی می‌گذرد. چه منظری است این سلسله عظیم البرز، چه باشکوه است این قله پوشیده از برف دماوند در آسمان آبی.

از زمانی که من سرپرست انستیتو فرهنگی اتریش در تهران بودم، تا به حال همه چیز تغییر کرده است. در زمان من تمام پژوهشگرانی که در این کتاب از آنان نام برده می‌شود محل رفت و آمد همیشگی‌شان انستیتو فرهنگی بود. بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ بسیاری از پژوهشگران به انستیتوی ما می‌آمدند؛ زمین‌شناسانی که سنگ‌های خود را به انستیتو می‌آوردند، جانورشناسانی که با مار و دیگر حیوانات می‌آمدند و در آخر سر به مارمولکی رضایت می‌دادند؛ پژوهشگران دریا که خوشبختانه چیزی به جای نمی‌گذاشتند؛ باستان‌شناسانی که مریض می‌شدند و احتیاج به پرستاری داشتند؛ گیاه‌شناسان، زمین‌شناسان، پزشکان، موسیقی‌دانان، نقاشان و شاعران، از همه آنها پذیرایی می‌کردیم و به ایشان کمک می‌کردیم. آن روزها رشته‌کوه البرز و دماوند روتر^۱، هادیچ^۲ و موستلر^۳ زمین‌شناس، بوبک^۴ جغرافیادان و رشینگر^۵ گیاه‌شناس را دیگر بار به سوی خود کشیده بود و حتی سفیر اتریش کورنارو^۶ را وادار کرده بود به بلندترین کوه ایران صعود کند.

بعد، تحت شرایطی، چند سالی سکوت بود، اما روابط اتریش و ایران در زمینه اقتصادی و فرهنگی به همان شدت ادامه داشت. انستیتو فرهنگی به مرکز تدریس زبان آلمانی تبدیل شده بود. در زمینه زمین‌شناسی بین دانشگاه تهران، اصفهان و تبریز با دانشگاه وین و لئوبن رابطه برقرار شد. در وین و گراتس تحقیقات گیاه‌شناسی ایران آغاز شد و در گذشته نه چندان دور پس از دیدارهای رسمی تبادل در زمینه موسیقی نیز آغاز شد که به برگزاری کنسرت در دو کشور انجامید. برگزاری نمایشگاه «۷۰۰۰ سال هنر ایران» در موزه هنرهای تاریخی وین، یکی از زیباترین برخوردها و تفاهم‌های فرهنگی بین ایران و اتریش بود.

امیداست که این روند ادامه پیدا کند و شاید دوباره تحقیقات باستان‌شناسان اتریشی در تپه کردلار در نزدیکی ارومیه از سر گرفته شود. این نوع تحقیقات آخرین بار توسط کولبلینگر^۷ و دوستانش در دماوند در سال ۱۹۷۷ و گروه پژوهشی این کتاب در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت.

اینک ۱۵۰ سال است که اتریشی‌ها دانسته‌هایی درباره ایران و بخصوص دماوند ارایه کرده‌اند و دماوند همان دماوند است که بود؛ پوشیده از برف سپید و شاید هم به کسانی که در جستجوی اسرارش هستند لبخند می‌زند. بگذار اسرارش را در خود نهان دارد، چه عظیم است طبیعت و چه خرد و کوچک است انسان.

دکتر هلموت اسلاپی، وین ۲۰۰۱